

تاریخ امنیت اجتماعی و وحدت اسلامی

سعید مرادی

دانشجوی کارشناسی رشته راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس سنندج

چکیده

امروزه امت اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجه است و دشمنان اسلام با اجرای طرح‌هایی در راستای تجزیه جغرافیایی، زبانی، قومیتی، مذهبی و حتی تاریخی می‌کوشند هویت، فرهنگ و عناصر اصلی موجودیت این امت واحد را در مخاطره قرار دهند. خدای متعال، انسان را موجودی اجتماعی آفریده که نه تنها برای برطرف ساختن نیازهای مادی و ظاهری‌اش به دیگر افراد بشر نیازمند است، بلکه در برآورده شدن نیازهای معنوی‌اش نیز به دیگران احتیاج دارد. یکی از مسائلی مهمی که سبب برقراری محیطی آرام می‌شود تا انسان به خواسته‌هایش دست یابد، وجود امنیت است. در ایجاد و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که وجود آن سطح امنیت را افزایش داده و فقدان آن برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن می‌شود. یکی از این عوامل مبحث وحدت اسلامی است که بر مؤلفه‌های امنیت تأثیر گذار است. در مقاله حاضر نقش وحدت اسلامی به عنوان یکی از رکن‌های مهم و منبع امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی جهت حفظ وحدت اسلامی و در نهایت ارتقای امنیت اجتماعی به منظور دستیابی به جامعه‌ای امن‌تر بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، وحدت، اسلام، اجتماعی، تاریخ

۱- مقدمه

موضوع «امنیت» از جمله موضوعاتی است که دارای اقسام گوناگون و متنوعی می‌باشد و علمای علم جامعه‌شناسی برای آن انواعی را قائل شده‌اند که از آن جمله می‌توان به: «امنیت شغلی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت فرهنگی» و... اشاره کرد که هر یک مقوله‌ای جداگانه بوده و در جایگاه خود نیازمند بحث و بررسی جداگانه‌ای هستند. اما در یک تقسیم بندی کلی می‌توان امنیت را به دو نوع «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» تقسیم نمود. یعنی هنگامی که بحث از امنیت به میان می‌آید این موضوع را هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماعی باید مدنظر قرارداد. البته ناگفته پیداست که این دو اگرچه از نظر ظاهر دو حوزه جدا از یکدیگر می‌باشند ولی در حقیقت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته به گونه‌ای که ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی بدون پرداختن به علل و عوامل ایجاد امنیت فردی منتج نبوده و به ثمر نخواهد نشست. از این روست که از دیدگاه علم جامعه‌شناسی (امنیت فردی زیربنای امنیت اجتماعی است).

۲) معنی واژه امنیت

امنیت از ریشه «امن» گرفته شده و دارای معنای مختلفی دارد. ابن منظور درباره آن چنین می‌نویسد: امن مخالف ترس است. امانت ضد خیانت آمده است. ایمان متضاد کفر و همچنین به معنای راست پنداشتن یا دروغ انگاشتن نیز می‌باشد (نک: لسان العرب، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۳۳). راغب اصفهانی اصل کلمه امن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته است (نک: مفردات الفاظ القرآن، صص ۲۵ و ۲۶). کلمه «امنیت» مصدر صناعی از ریشه «امن» است و دارای دو جنبه ایجابی و سلبی می‌باشد: در جنبه ایجابی، ایجاد اطمینان و آرامش در آن ملحوظ است و در جنبه سلبی، نفی ترس و ناآرامی در آن وجود دارد. کنار هم قرار گرفتن این دو جنبه، مفهوم امنیت را تکمیل می‌کند و به همین دلیل هم می‌توان امنیت را مفهوم نسبی دانست. اینکه آرامش یا ترس به چه عوامل و عناوینی وابسته باشد، مفهوم آن را در شرایط زمانی و مکانی مختلف تغییر می‌دهد.

۳) امنیت اجتماعی

همان گونه که اعضای خانواده برای در کنار هم بودن، به امنیت نیاز دارند، افراد یک جامعه نیز برای برخوردار شدن از جامعه‌ای سالم، به امنیت نیاز دارند. عوامل تقویت کننده این امنیت را باید ستود و مورد توجه قرار داد. در مقابل، عوامل مخرب امنیت اجتماعی را باید شناسایی نمود و به سمت کم اثر کردن و در نهایت حذف آنها گام برداشت. امنیت اجتماعی، نخستین گام در حفظ امنیت جامعه و به یک معنا، گسترده‌ترین نوع امنیت در جامعه است.

امام علی (ع) یکی از ویژگیهای حکومت اسلامی را برقراری امنیت اجتماعی و مبارزه با دشمنان مردم می‌دانند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) و در جایی می‌فرمایند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای بدست آوردن قدرت، حکومت، دنیا و شهرت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دینت را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

یکی از زیباترین داستان‌های قرآن که به عنوان «أحسن القصص» نامیده شده است، داستان زندگی حضرت یوسف (ع) می‌باشد که به طور مفصل در سوره مبارکه مبارکه ذکر گردیده است. در آیه ۹۹ این سوره می‌خوانیم: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ أَوْىٰ إِلَيْهِ أَبُوهُ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ»؛ هنگامی که بر یوسف وارد شدند او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت همگی داخل مصر شوید آن شاء الله در امن و امان خواهید بود. از آیه فوق استفاده می‌شود هنگامی که یعقوب پس از سالیان متمادی تحمل رنج هجران و فراق فرزندش، به همراه سایر فرزندان او وارد شهر مصر شدند، یوسف (ع) که اینک به رفیع‌ترین مقامات حکومتی سرزمین مصر نائل شده بود به جهت استقبال از پدر و مادر و برادران خود به دروازه شهر آمده و آنان

را به زندگی پاک و گوارایی همراه با برخورداری از امنیت کامل در مصر مژده می‌دهد. «یوسف از میان تمام مواهب و نعمت‌های موجود در مصر، انگشت روی مسأله امنیت گذاشت و به پدر و مادر خود و برادرانش گفت: وارد مصر شوید که این شاءالله در امنیت خواهید بود. این نشان می‌دهد که نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط نا امن، نه اطاعت خدا مقدور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکرو نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی» (تفسیرنمونه، ج ۱۰، ص ۸۴).

افراد جامعه باید در تمام ابعاد زندگی اجتماعیشان دارای امنیت باشند. باید در روابط اجتماعی، این زمینه برای مردم به وجود آمده باشد که بدون احساس ترس از اینکه دچار مشکل ناامنی شوند، در این روابط آزادانه و به طور فعال مشارکت داشته باشند. فراهم آوردن چنین امنیتی تا بدان حد مهم است که رعایت تمامی حقوق متقابل میان افراد جامعه با یکدیگر و میان جامعه و دولت در سایه وجود این نوع امنیت معنا می‌یابد. مردم باید با اطمینان به قدرت دولت مبنی بر پشتیبانی از حقوقشان و تکیه بر اهتمام دولت به این امر مهم، با آرامش خاطر به زندگی عادی خود ادامه دهند و هنگامی که حقوقشان رعایت نشد، مطمئن باشند قدرتی وجود دارد که تا رساندن آنان به حقشان، از آنان دفاع خواهد نمود (نک: قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، صص ۱۳۹، ۱۴۰).

مفهوم امنیت اجتماعی^۱ برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان^۲، آل ویور^۳ و لمیتر^۴ تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. این افراد با تعریف امنیت اجتماعی پیشگامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند. نل بروز^۵ در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای از مردم در یک سرزمین در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش بینی را در میان مردمش تجربه می‌کند. وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (نل بروز، ۲۰۱۳، صص ۲۴-۱۲).

یکی از مشکلات جوامع بشری احساس فقدان امنیت و نداشتن امنیت اجتماعی است. در تعریفی دیگر که از امنیت اجتماعی شده است اینگونه بیان می‌شود که: (کلیه اقداماتی که به موجب آن اقلیت مختلف مردم در محیطی آرام بتوانند فعالیت‌های اجتماعی خود را انجام دهند، امنیت اجتماعی است) (خلیلی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۳). امنیت مفهومی است که داری دو بعد ذهنی و عینی است. از بعد عینی، امنیت اجتماعی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمن برای افراد جامعه است و از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است. بر این اساس امنیت ارتباط مستقیمی با ذهنیت و ادراک مردم دارد. اگر مردم جامعه‌ای احساس کنند که پدیده امنیت اجتماعی کمرنگ شده و یا کاهش یافته است، ممکن است در مرحله اول آن را فقط به عنوان یک واقعیت ذهنی تلقی کنند، اما در مرحله بعد و به نحو ناخودآگاه به عنوان پدیده‌ای بیرونی تجلی خواهد یافت. در چنین وضعیتی، تنها با نظارت بیرونی و با قیود درونی نمی‌توان میزان اعتماد و امنیت خاطر را به جایگاه اصلی و اولیه آن بازگرداند. در اینجا نداشتن یا ضعیف دانستن امنیت، در وهله اول تحت عنوان یک احساس تلقی شده اما در مرحله حادثر به صورت یک

¹ Societal Security

² Barry Buzan

³ Ole Waever

⁴ Lemaiter

⁵ Neil Bruce

واقعیت یا پدیده اجتماعی بروز می‌کند که در این مرحله به یک معضل و آسیب اجتماعی تبدیل شده و می‌تواند اقتدار و مشروعیت خرده نظام سیاسی را به عنوان تأمین کننده امنیت تضعیف کرده و با زیر سؤال رفتن این اقتدار و کاهش مشروعیت خرده نظام سیاسی، آن را با بحران نیز مواجه کند. حتی هنگامی که معتقد باشیم احساس نبود امنیت با واقعیت پدیده امنیت، تطابق ندارد، اعتقاد عمومی و احساس اجتماعی در این زمینه باعث می‌شود تا جامعه هزینه‌های زیاد و بهای سنگینی را برای برقراری امنیت متحمل شود تا بتوان به سطح قابل قبولی از امنیت خاطر دست یافت (پهلوان، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱).

یکی از خواسته‌های اساس بشر امنیت است و تأمین آن از مهمترین وظایف حکومتهاست. در ادبیات سیاسی و جامعه شناسی معاصر، این امر از بدیهی‌ترین اصول به حساب می‌آید. امنیت به معنای آرامش، آسودگی، ایمنی است. در فرهنگ سیاسی، مهم‌ترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند «فقدان تهدید» است. البته چون فقدان تهدید به طور مطلق و تام، دست نیافتنی است به «حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند. اگر به همین معنا قناعت کنیم، قهراً مقوله امنیت مفهومی نسبی است که دارای مراتب شدت و ضعف است. البته باید به این نکته توجه داشت که گاهی ممکن است عامل عینی تهدید وجود نداشته باشد، اما در عین حال شخص و یا جامعه احساس امنیت نکند. بنابراین، امنیت حقیقی، آمیزه‌ای است از وضعیت فیزیکی و فکری. هیچ مکتب و نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به مساله امنیت، فارغ و بی طرف بداند؛ زیرا نه تنها امنیت فی نفسه یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری است بلکه خود، عامل مهمی جهت رشد و توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی است. امنیت در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی و... نیاز ضروری فرد و جامعه می‌باشد که باید آحاد ملت، حکومت‌ها و دولت‌ها در ایجاد و گسترش آن تمام امکانات و توان خود را به کار گیرند. هدف و غایت اصلی در علم حقوق که به قول راسکو پاوند^۶ علم مهندسی اجتماع است، حفظ امنیت است. اسلام به عنوان یک نظام حقوقی جامع که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی در همه زمانها و مکانهاست نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. از این روست که تمامی عقلا و خردمندان جوامع بشری از این به عنوان نخستین نیاز هر جامعه یاد کرده و حاکمان را به تأمین و ایجاد آن توصیه نموده‌اند. کما اینکه در احادیث و روایات منقول از معصومین (ع) نیز امنیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و آن بزرگواران به کرات اهمیت آن را مورد تأکید و تکرار قرار داده‌اند. امیر المؤمنین علی (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند» (فرهنگ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۲۳). و امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «سه چیز است که عموم مردم بدان نیازمندند: امنیت و عدالت و فراوانی نعمت» (فرهنگ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۲۳).

در دوره معاصر و تحت شرایط جهانی شدن که خواه ناخواه پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی به همراه دارد، کشورهای اسلامی نیز با چالش‌ها و تهدیدهای مختلفی مواجه شده‌اند. همان طور که برخی صاحب نظران اذعان داشته‌اند، جهانی شدن ممکن است موجب تقویت قومیت‌ها و اقلیت‌ها در برابر ملیت‌ها شود. بدین ترتیب، اتحاد ملی کشورها، به ویژه کشورهایی که از قومیت‌ها و اقلیت‌های گوناگون تشکیل شده‌اند، در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. در صورت وقوع چنین پدیده‌ای تعارض میان قومیت‌ها و اقلیت‌های نژادی، فرهنگی، مذهبی و مانند آن بیش از پیش آشکار می‌شود.

از سوی دیگر، جهانی شدن ممکن است شرایطی را به وجود آورد که منجر به رشد جریان‌های افراطی مذهبی شود، نظیر عملیات‌های مختلف انتحاری در کشورهای اسلامی؛ زیرا تحت شرایط جهانی شدن، در راستای هم‌گونگی، فشاری پنهان بر جوامع وارد می‌شود و در نتیجه در تقابل با این موج سهمگین یکسان‌سازی، شرایط برای رشد و نمو جریان‌های افراطی مذهبی مهیا می‌شود. در چنین اوضاع و احوالی، کاملاً طبیعی است که برخی قدرت‌های سلطه جوی جهانی که قصد سیطره بر کشورهای دنیا را دارند، سعی کنند که از آب گل آلود ماهی گرفته و حرکت جهانی شدن را به نفع خود به سمت پروژه جهانی

^۶ Rosco pound

سازی سوق می‌دهند. از این رو، کاملاً قابل پیش بینی است که تا سر حد امکان به اختلافات قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی دامن بزنند و به حمایت از جریان‌های افراطی مذهبی بپردازند. جریان‌هایی که غالباً از درون به جان یکدیگر افتاده و به استحکام و یکپارچگی یک کشور، ملت و یا حتی یک منطقه خدشه وارد می‌سازند. این وضعیتی است که متأسفانه امروزه تا حد زیادی گریبان جهان اسلام شده است. حوادث و اتفاقاتی که در کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد همگی شاهی بر این مدعا می‌باشد. از این رو، موضوع وحدت جهان اسلام نیاز ضروری امروز جهان اسلام است.

خداوند در قرآن کریم، مسلمانان را امت واحده می‌خواند و امت اسلامی را به وحدت کلمه و اتحاد فرمان می‌دهد؛ چنان که در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ می‌فرماید: (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا). پیامبر (ص) هم در اولین عهد نامه‌ای که در مدینه بین طوایف مختلف برقرار نمود، بر این مسئله تأکید کرد، ولی در طول تاریخ، تشکیل حکومت‌های مختلف بر اساس قومیت‌ها و طوایف و ایجاد مرزهای جغرافیایی، مسلمانان را از هم جدا کرد؛ به گونه‌ای که عرب، عجم، ترک، کرد و... همچون جزایر جدا از هم زندگی کرده و هیچ یک در برابر سرنوشت امت بزرگ اسلام مسئولیتی احساس نمی‌کنند؛ گویی که این طوایف به کلی از هم بیگانه هستند و آنچه اصیل است، برداشت توهم آمیز از تفاوت‌های قومی و نژادی در میان مسلمانان به این اختلافات دامن زده و جنگ و برادرکشی را بین آنان حاکم کرده‌اند.

۴) تأثیر دین بر احساس امنیت اجتماعی

دین کلمه‌ای عربی است به معنای جزا و پاداش و عبارت است از: اعتقاد به خالق هستی و مجموعه قوانینی که از جانب او بر بشر عرضه گردیده است. همچنین دین به معنای اطاعت و آیین و شریعت است یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به رستگاری هدایت می‌کند و شامل عقیده و عمل است (منظری توکلی، عراقی پور، ۱۳۸۹). دین در اغلب موارد نقش میانجی دارد و فرآیندهای روزمره افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به طوری که برخی پژوهشگران دینی معتقدند باورهای دینی مقابله با هیجان‌ها و شرایط اجتماعی را تسهیل می‌کند (هادیانفر، ۱۳۸۴). گیدنز معتقد است که دین وسیله‌ی سازمان دهنده احساس امنیت به چند شیوه است: نه تنها خدایان و نیروهای مذهبی، حمایت‌های قابل اتکای مثبتی را برای مؤمنان فراهم می‌سازند، بلکه کارگزاران مذهبی نیز این کار را انجام می‌دهند. باورداشتهای مذهبی مهمترین کارشان این است که معمولاً به انسان در مقابل تجربه رویدادها و موقعیتهای احساس آرامش و امنیت تزریق می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۹۵). مناسباً غالباً جنبه‌ای اجباری دارند ولی در ضمن عمیقاً آرامش بخش‌اند زیرا به یک رشته عملکردهای معین، کیفیت آیینی می‌بخشند. خلاصه آنکه مذهب و سنت به شیوه‌ای بنیادین در امنیت وجودی دخالات دارد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

تأثیر دینداری در کاهش جرم و به تبع آن افزایش امنیت اجتماعی در پژوهش‌های متعددی بررسی و تأیید شده است. آکینتوند کواردی آدیسون در پژوهش خود به اهمیت دین در جلوگیری و یا کاهش رفتارهای بزهکاری صحنه گذاشته است. لاکفیلد نیز در پژوهش خود نشان داد سه بعد دینداری به صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف اخلاقی عمل کرده است (لاکفیلد، ۲۰۱۰).

۵) چیستی وحدت اسلامی

وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق. انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام، هماهنگی و همواری آمده است. اتحاد و وحدت ملی مقوله‌ای است که بیشتر جنبه داخلی دارد و در چهارچوب مرزهای کشور معنا می‌یابد و اصطلاحات دیگری همچون؛ وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می‌باشد و در اصطلاح یعنی برنامه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی و

بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله‌ای مطرح می‌شود (ایرانی، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۱).

وحدت به معنای مصطلح، بر همبستگی عمومی میان مسلمانان بر اساس وجود اشتراکات دینی آنها تأکید می‌کند که پیامدهای آن می‌تواند بسیار مهم باشد، مانند زندگی مسالمت آمیز پیروان فرق و مذاهب مختلف، تکفیر نکردن یکدیگر، پرهیز از خشونت‌های مذهبی، محافظت همگانی از مسلمات، هویت و مقدسات دینی، حمایت‌های توده‌ای از ملت‌های مسلمان در ابعاد گوناگون یا مقابله عمومی با دشمن یا دشمنان مشترک (سایت تقریب)^۷.

یکی از بدفهمی‌های رایج از مفهوم وحدت اسلامی، مساوی انگاشتن وحدت اسلامی با کنار گذاشتن عقاید مذهبی مختلف و روی آوردن به نوعی بی‌مذهبی یا هضم بزرگ وحدت اسلامی، برخی فرق اسلامی، به دنبال نفی حقانیت عقاید خاص مذاهب مختلف اسلامی و هویت‌های ناشی از آن یا هضم یکی در دیگری بوده است. به باور بسیاری از صاحب نظران، فرق و مذاهب مختلف اسلامی در بیش از ۹۰٪ موضوعات عقیدتی، فقهی و اخلاقی با یکدیگر اشتراک دارند (غلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۱).

وحدت اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمانهایی است که هر مسلمان آزاده‌ای، از صدر اسلام تا کنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. در این باره در متن منابع اصیل اسلامی، به خصوص در قرآن کریم، واژه‌هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. انسجام و وحدت جمعی، مهم‌ترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده‌های اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره‌های ظالمانه فراوانی برده‌اند. در سایه اسلام و به برکت تعالیم اسلامی است که ابعاد و عوامل اخلاقی و اجتماعی وحدت مسلمانان، عمق و استحکام می‌یابد (موتقی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۸۳).

۶ مؤلفه‌ها وحدت اسلامی

برخی از محققان و نویسندگان تلاش کرده‌اند تا مؤلفه‌های وحدت اسلامی را مشخص کنند. از جمله، بنا به نظر اصغری (۱۳۸۶، ص ۶۳) مؤلفه‌های وحدت اسلامی عبارتند از:

۱-۶) ایمان به وحدانیت خدا و پرستش او.

۲-۶) ایمان به رسولان الهی (ع) و به ویژه ایمان به خاتمیت نبی اعظم (ص).

۳-۶) باور به معاد و روز رستاخیز (از این سه مؤلفه به اصول دین تعبیر می‌شود)

۴-۶) اشتراک در کتاب آسمانی قرآن کریم و باور به حقانیت و صدق گفتار او.

۵-۶) اشتراک در بسیاری از اعمال عبادی از قبیل نماز، روزه، حج، زکات و امثال آن. از نظر سیدی (۱۳۸۶، ص ۸۳)

۶-۶) اصول اعتقادی (اصول عقاید).

۷-۶) کتاب آسمانی.

⁷ www.taghrib.html

۸-۶) عبادات مشترک فردی و جمعی.

۷) وحدت اسلامی در سیره پیامبر

در هنگام بعثت حضرت محمد (ص)، در شبه جزیره عربستان فرهنگ جاهلی حکم فرما بود. اجزای مهم این فرهنگ مواردی هم چون زور، شمشیر، جنگ، خون ریزی، انتقام، ارزش نهادن به حسَب و نَسَب، عدم رواج خواندن و نوشتن، فساد، ظلم، اختلاف طبقاتی، پای بندی به پیمان‌های قومی و برخی دیگر از رذائل اخلاقی و رفتاری بود که در قرآن به برخی از آنها اشاره شده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

یکی از بارزترین خصوصیات فرهنگی این جامعه اختلافات عمیق میان مردم و قبایل مختلف بوده است. البته در نگاه عام، این واقعیت دردناک در همه اعصار و در جوامع مختلف دیده می‌شود. با وجود این، به سبب عدم وجود حکومت مرکزی و نبود کشوری واحد، ظهور اختلافات، درگیری و جنگ در این جامعه تبلور بیشتری یافته است به گونه‌ای که تنها ملاک بسیار مهم برای قبیله‌های مختلف که عموماً به صورت پراکنده و تقریباً مستقل زندگی می‌کردند و بیسواد و ناآگاه بودند، تعصبات قومی و نژادی بود. زندگی مبتنی بر پرورش دام و کمبود مراتع نیز مزید بر علت بود. برتری طلبی، کسب افتخار و شرافت، گاه و بیگاه آتش جنگی را میان آنان شعله ور می‌ساخت (ابن عبدربه، ۱۹۸۶ م. ج ۵. ص ۱۵۱). که در برخی موارد به علت عصبیت و یک دندگی آنها سال‌های متمادی به طول می‌انجامید.

رسالت جهانی پیامبر اعظم (ص) نجات و سعادت همه انسان‌ها از جهالت و انحراف و رستگاری همگی آنان بود. اولین چیزی که اسلام و قرآن از مردم جاهلی گرفت تشتت آرا و عقاید مذهبی بود که به جای آن وحدت عقیده بر مبنای توحید را مطرح نمود. تا قبل از آن، فرهنگ بت پرستی در حجاز، فرهنگ موبدی در ایران و فرهنگ تثلیث در روم نتوانسته بود چنین وحدتی را ایجاد نماید (مطهری، ۱۳۵۹ ش، ص ۲۶۹).

امیرالمؤمنین علی (ع) راهکارهای پیامبر (ص) را در ایجاد فرهنگ وحدت این گونه بیان می‌کند: «دل‌های نیکوکاران شیفته او گشت، نگاه‌ها به او دوخته شد، خداوند به وسیله او کینه‌های دیرینه را دفن کرد، شعله‌های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود، دل‌ها را با هم الفت داد و مردم را برادر ساخت و دوستان را (در کفر و جهالت) از هم جدا کرد، ذلت‌ها را به عزت و عزت‌ها را به ذلت تبدیل کرد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰۸). وحدت و برادری که در عصر رسالت به بهترین شکل در میان یاران رسول خدا (ص) تحقق یافت، متأسفانه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) دیری نپایید و آن اتحاد و اخوت به ضعف گرایید و شکل‌گیری اختلاف و تفرقه به تدریج موجب شد که حرکت امت اسلامی در مسیر ذلت و انحطاط بیفتد و چه بسا اگر فداکاری و از خود گذشتگی افرادی چون علی (ع) به عنوان تربیت یافته مکتب نبوی نبود، امت اسلامی ضربات شکننده‌ای را متحمل می‌شد (خزایی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

۸) وحدت اسلامی در سیره ائمه اطهار (ع)

حضرت علی (ع) به عنوان تربیت یافته مکتب نبوی، یکی از مصداق‌های کوشش در ایجاد وحدت اسلامی است؛ زیرا زندگی آن حضرت سرشار از فداکاری‌ها و گذشت از حق خود به خاطر دست یابی به این اصل حیاتی است. مهم‌ترین عاملی که سبب شد حضرت علی (ع) پس از قضیه سقیفه از اقدام نظامی علیه خلفا امتناع ورزد، مصلحت حفظ نظام اسلامی بود تا در سایه آرامش سیاسی و پرهیز از تفرقه، ریشه نهال نوپای حکومت اسلامی استوار شود. حضرت علی (ع) تصریح کرده است: «در اندیشه بودم که آیا با دست تنها، برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقان زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه

سازم؟ پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم، در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷، ص ۸۱). سیره امام علی (ع) در حوادث پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) بهترین گواه بر خیراندیشی، مصلحت‌جویی و وحدت‌طلبی آن بزرگوار است. آنجا که دردمندانه به غارت رفتن میراث خویش را شاهد بود و رفتار ناجوانمردانه قوم با خویشان پیامبر (ص) را می‌دید، به خاطر مصلحت عمومی امت، نه تنها سکوت کرد و آرام گرفت، بلکه برای یاری رساندن به خلفا آستین بالا زد.

شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه سخنی از حضرت نقل می‌کند به این عبارت که: «به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان (اصحاب سقیفه) طور دیگری بود» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰).

تلاش دیگر امامان نیز بر پایه حفظ اصول و جلوگیری از ایجاد تنش‌های سیاسی-اجتماعی استوار بود. مسیر وحدت‌طلبی آنان نیز به گونه‌ای نبود که به تقویت و قبول و تأیید نظام خلافت خلفای اموی و عباسی بینجامد که از طریق قهر و غلبه و یا فرصت‌طلبی به قدرت رسیده بودند، بلکه بایستی وحدت‌خواهی آنان را بر محور حفظ کیان اسلام، تقویت کلیت دولت و نظام اسلامی و جلوگیری از نابودی آن در مقابل بیگانگان تفسیر کرد. نهضت‌هایی که در عصر ائمه اطهار به رهبری سادات علوی و دیگران در گرفت، در مجموع با اجازه و میل آنان نبود (آقا نوری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

۹) طرح وحدت اسلامی از نظر اندیشمندان مسلمان

دیدگاه‌های مختلفی درباره وحدت مطرح شده است و تلاش در جهت رسیدن به آن، در سده گذشته از سوی اندیشمندانی همچون سید جمال و محمد عبده آغاز شد و تاکنون نیز تلاش‌های فراوانی برای نیل به این مقصود صورت گرفته است.

۹-۱) سید جمال الدین اسد آبادی

سید جمال الدین بدون شک از پیشگامان و منادیان همگرایی جهان اسلام، بلکه بنیانگذار آن محسوب می‌شود، چنان که رشید رضا در مجله المنار، ذیل عنوان «بحث فی المؤتمر الاسلامی» می‌نویسد:

اول صوت سمعناه فی هذا العصر يدعو المسلمین الى التعارف والاتحاد والتعاون فی الرأى والسعی علی تدارک ماحل بالمسلمین من الرزایا الاجتماعیه... هو صوت الحکمین جمال الدین والشیخ محمد عبده رحمهما الله تعالی (رک: واثقی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۲، به نقل از مجله المنار، جزء ۲، ص ۱۳۱).

نخستین فریادی که در این عصر مسلمانان را به شناخت یکدیگر و اتحاد و همکاری در رأی و کوشش برای جبران آنچه بر مسلمانان عارض شده از گرفتاریهای اجتماعی، دعوت می‌کرد، فریاد دو دانشمند مبارز، سید جمال الدین و شیخ محمد عبده بود، رحمت خدای بزرگ بر آن دو باد.

سید جمال الدین اسد آبادی مهم‌ترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد و سید جمال الدین برای مبارزه با این دو عامل فلج‌کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست واجب شمرد و برای باز یافتن عظمت مسلمانان، بازگشت به اسلام ناب محمدی را لازم می‌دانست و وحدت دینی و اعتقادی مسلمانان را تبلیغ می‌کرد. وی سعی داشت تا اسلام را مطرح کند و ایمانی را ترویج دهد که ایمان مسلمانان راستین صدر اسلام باشد، نه ایمان مسلمانان غرب زده و استعمار شده در قرن ۱۹ م. و معتقد بود مسلمانان باید با

عبور از اختلاف‌های فرقه‌ای و قومی و نژادی و تاریخی به اسلام اصیل بازگردند و خود اسلام و قرآن را ملاک عمل قرار دهند (سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، صص ۱۹ و ۲۰).

به نظر سید جمال بزرگ‌ترین عامل در جهت استیلای استعمارگران بر جهان اسلام، جهل و نادانی مسلمانان است از این روی، وی مرتباً مسلمانان را به بیداری و خرافه زدایی و خرد ورزیدن دعوت می‌کرد (مسلمون ثوار، ۱۹۷۹ م، ص ۹۶).

گارودی^۸ در بیان اهمیت سید در بیداری مسلمانان می‌گوید: (امروزه نام سید تنها به عنوان بیدار کننده ملت‌های مسلمان مطرح نیست بلکه از او به عنوان بیدار کننده تمامی محرومان جهان یاد می‌شود. این موضوع را می‌توان در پاسخ سید به ارنست رنان مشاهده نمود آنجایی که سید در دفاع از تفکر آزادی خواهانه خود در برابر تفکر قوم منتخب به شدت دفاع می‌کند) (گارودی، ۱۳۷۶: ۳۷۰).

۹-۲) محمد عبده

پس از سید جمال، دومین شخصیتی که نامش به عنوان مصلح در جهان تسنن، به خصوص در جامعه عرب، برده می‌شود، شیخ محمد عبده شاگرد و مرید سید جمال است. عبده روح خود و زندگی معنوی خود را مدیون سید جمال می‌دانست.

محمد عبده یکی از راهکارهای تجدید حیات مسلمین را وحدت می‌دانست. او که مانند سید جمال در پی وحدت دنیای اسلام بود و با تعصب هاب فرقه‌ای میانه خوبی نداشت، وقتی که به قول خودش نهج البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد و از ستایش بلیغ و بی مانند سخنان علی (ع) خوداری ننمود. (نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۴۸/۲۴).

در روزنامه **عروه الوثقی** که به همکاری سید جمال و عبده به رشته تحریر در می‌آمده است، از وحدت به منزله یکی از قوی‌ترین ارکان دین که بر همه روشن است، یاد شده است: «الاتفاق و التضافر علی تعزیز الولاية الإسلامية، من أشد أركان الديانة المحمدية، والاعتقاد به من أوليات العقائد عند المسلمين، لاحتاجون فيه إلى أستاذ يعلم، و لا كتاب يثبت و لا رسائل تنشر» (اسد آبادی و عبده، ۱۳۹۰، ص ۷۰): اتحاد و همبستگی برای تقویت ولایت اسلامی، از قوی‌ترین ارکان دینت محمدی و عقیده به آن از ابتدایی‌ترین عقاید در نزد مسلمانان است که در آن احتیاجی به استاد ندارد که آن را تعلیم دهد و یا کتابی که آن را ثابت بسازد و یا رساله که آن را نشر کند.

۹-۳) امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به عنوان یک نظریه پرداز و اندیشمند و فقیه بزرگ و به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران این مسأله و ابعاد گوناگون آن را با عنایتی خاص مد نظر قرار داده و عملاً گام‌هایی چند در راه تحقق وحدت در جوامع اسلامی برداشتند.

از اقدامات و تلاش‌های امام خمینی (ره) در باب وحدت اسلامی می‌توان علاوه بر تأکید بر آن در بیانات و نوشتارهای خویش، از طرح تقیه مداراتی و فتاوایی چند در این مورد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۰۰-۱۷۴) - بویژه نگارش رساله‌ای در تقیه - احیای نماز جمعه، طرح مسأله براءت از کفار و مشرکین در مراسم حج، اعلام روز جهانی قدس و... نام برد.

⁸ Roger Garaudy

امام خمینی (ره) در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) وحدت و اتحاد را اجتماع و با هم بودن در امری واحد می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۳۱). بدین معنا که جهت گیری و مبنا و مقصد واحد داشتن نشان از وحدت و همبستگی است. البته، این امر واحد در نگاه امام خمینی (ره)، عقیده و باور به توحید و مبدأ واحد در جهان هستی است. "ما اگر این وحدت کلمه و این خاصیت که عبارت از اسلامیت است که در آن همه چیز هست، اگر این را ما حفظ کنیم، تا آخر پیروز هستیم..." (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۵۰).

۱۰) ضرورت وحدت

امام خمینی پیامدهای تفرقه را به خوبی شناخته بود و می‌دانست که تفرقه در میان امت اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی تأثیرات منفی بسیاری برجای گذاشته است که رفع آنها بسیار مشکل است و نیاز به زمان زیادی دارد و تنها راه جلوگیری از صدمات و لطمات ناشی از این تفرقه، وحدت و برادری است که باید حول محور اسلام عزیز و تعالیم حیات بخش آن صورت گیرد که در این راستا ضرورت‌های وحدت را نیز تشخیص داده بودند تا بدان وسیله امت اسلامی به مسیر و صراط مستقیم الهی رهنمون گردد.

اولین ضرورت وحدت از دیدگاه امام، قیام در راه خدا بود تا جامعه بشری بطور کلی اصلاح گردد: «قال تعالی: قل انما اعظکم بواحد، ان تقوموا لله مثنی و فرادی». خدای تعالی در این کلام شریعت از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده این کلمه تنها راه اصلاح در جهان است (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج اول، ص ۳).

ضرورت بعدی وحدت جلوگیری از توطئه و تفوق استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا است که با ایجاد تفرقه و اختلاف بین مسلمین سعی در رسیدن به هدف خود دارد. امام راحل می‌دانست که: «دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر، ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی آنان در این توطئه شیطانی تفرقه انداختن بین مسلمانان به هر شکل که بتوانند می‌باشند» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج نوزدهم، ص ۴۶).

۱۱) مهم‌ترین راهکارهای وحدت اسلامی از منظر قرآن

۱۱-۱) تکیه بر عناصر مشترک دینی

مسلمانان دارای یک کتاب آسمانی، یک پیامبر و یک قبله گاه هستند و اعتقادات دینی آنان یکسان است. عقل و شرع اقتضا می‌کنند که بر مشترکات فروان تکیه شود از برجسته کردن اختلافات جزئی پرهیز گردد. مسلمانان از هر فرقه و مذهبی می‌توانند با شعار توحید و زیر پرچم "لا اله الا الله" گرد هم آیند و در عین کثرت و تعدد، وحدتی مثال زدنی خلق نمایند.

پیشگامان وحدت اسلامی نیز طبق همین طرح گام بر می‌داشتند. استاد شهید مطهری (ره) در این زمینه گفته‌اند: «مفهوم اتحاد اسلامی این نیست که مسلمانان از اصول اعتقادی یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه را بگیرند و مختصات را کنار بگذارند؛ زیرا نه این کار منطقی است و نه قابل عمل... آن چه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات، تعصبات و کینه‌های مخالف را بر می‌انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات» (مطهری، ۱۳۶۹، صص ۲۱-۱۶).

بحث و گفتگوی علمی در زمینه مسائل مورد اختلاف نه تنها با طرح وحدت اسلامی در تضاد نیست، بلکه نقش مهمی در موفقیت آن دارد؛ زیرا اتحادی عمیق و پایدار است که توأم با معرفت و شناخت باشد نه کورکورانه و از روی احساسات. آن چه لازم به نظر می‌رسد این است که این گفتگوهای عملی توأم با منطق و احترام متقابل باشد.

۱۱-۲) اصالت دادن به ارزش‌های اسلامی

از مباحث مهمی که در موضوع وحدت اسلامی مطرح است، بحث خودی و غیر خودی است. از منظر قرآن، تنها معیار خودی، رابطه مکتبی و دینی است نه رابطه ملی، زبانی، نژادی و حتی نه رابطه پدر - فرزندی؛ به هر میزانی که این ارتباط معنوی مستحکم باشد، به همان میزان هم معیار خودی پر رنگ خواهد بود.

قرآن کریم در سوره توبه فرمان مبارزه جدی و بی‌امان با مشرکین را صادر می‌کند، اما در عین حال می‌فرماید: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» پس اگر از کفر و شرک بازگشتند، نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، برادران دینی شما هستند. همان دشمنان دیروز به برکت اسلام برادران امروز می‌شوند. قرآن کریم، معیار خودی را فقط رابطه‌ی دینی مسلمانان می‌داند. وحدت اسلامی هم باید بر اساس این معیار تشکیل شود. وقتی که وحدت بر پایه اسلام بود. یکی از راهکارهای منایب آن اصالت دادن به ارزش‌های اسلامی، تقوای الهی می‌باشد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ «ای مردم! همانا شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را شعبه شعبه و گروه گروه قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (و در روابط اجتماعی و رعایت حقوق همدیگر دچار مشکل نشوید)» این که انسان از این گروه باشد یا از آن گروه، از این ملت باشد یا از آن ملت نشانه‌ی برتری نیست. (...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...); «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»

در جریان فتح مکه، بعضی‌ها به ارزش‌های کاذب دوران جاهلیت، از قبیل قوم و قبیله، زبان، ملیت، رنگ و نژاد دامن می‌زدند. سپس این آیه کریمه نازل شد، روی همه آنها خط بطلان کشید و تقوا را به عنوان تنها معیار برتری انسان مطرح نمود.

پیامبر اسلام (ص) در سرزمین منی در جمع زائران خانه خدا که در مراسم حج شرکت کرده بودند، خطبه مهمی ایراد نمود و فرمود: «ای مردم! همانا پروردگار شما یکی و پدر شما هم یکی است، آگاه باشید که هیچ عربی بر عجم و هیچ عجمی بر عرب، هیچ سیاهی بر گندم گون و هیچ گندم گونی بر سیاه برتری ندارد» «جز با تقوا الهی» (قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۲).

۱۱-۳) ایجاد وحدت درونی و همدلی

وحدت و هماهنگی وقتی واقعی و پایدار است که از درون سرچشمه بگیرد و همراه همدلی باشد؛ به دیگر سخن وحدت ظاهری و بیرونی آنگاهی کارساز و ماندگار است که ناشی از وحدت باطنی و درونی باشد و گرنه، اتحاد زودگذر و بی اثر خواهد بود.

قرآن کریم در نکوهش اتحاد ظاهری و غیرواقعی می‌فرماید: (...تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ...); «... تو آن‌ها را با هم می‌پنداری در حالی که دل‌هایشان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که گروه نابخردند.»

۱۲) نتیجه گیری

اسلام، دین وحدت، برادری، صلح، امنیت فردی و اجتماعی است. مسئله وحدت و انسجام بین مردم در داخل و بین امتهای اسلامی در خارج از ضروریات است. همانطور که خون موجب حیات بدن است، وحدت هم در بین مسلمین جهان از اصولی‌ترین کارها است. امروز جهان کفر و استکبار با همه اختلافاتی که با یکدیگر دارند، علیه اسلام و ملت ما پیکارچه می‌شوند، توهین‌های صورت گرفته به پیامبر اکرم (ص) و انتشار فیلم و کاریکاتورها، تقویت و حفظ سلمان رشدی همه این‌ها ضرورت و لزوم اتحاد ملت‌های اسلامی را نشان می‌دهد.

به اذعان بسیاری از اندیشمندان یکی از پیامدهای های "وحدت" افزایش احساس امنیت اجتماعی است، در تبیین این واقعیت می‌توان چند نکته را یادآور شد؛ نخست آنکه، "وحدت" به خودی خود تنوعی "حالت عاطفی" است که هیجانات منفی را از درون می‌زداید و "خوش بینی"، "امید" و "مثبت نگری" را بسط و توسعه می‌بخشد نیازی به حجت نیست که از میان رفتن هیجانات منفی و تقویت هیجانات مثبت بلادرنگ درون را ایمن می‌سازد و فرصت ناایمن شدن را از آدمی می‌گیرد.

یکی از کارکردهای مطلوب "وحدت" احساس برخوردار شدن از "حمایت اجتماعی" است. بی هیچ گفتگویی آدمی وقتی احساس کند از حمایت خیل پرشمار دیگران برخوردار است، اعتماد به نفسش فزونی می‌یابد. اعتماد به نفس بالا نیز بسترساز احساس امنیت اجتماعی است.

وحدت به صورت "عینی" و نه لزوماً "ذهنی"، خطرها را از میان می‌راند و لاجرم از بین رفتن خطر فی نفسه ایمنی را و تهدید زدا است. از این مختصر پیداست که وحدت مسلمین، آرامش روانی و اجتماعی آنان را دو چندان می‌سازد. از همین روی برای بسط و استمرار و تقویت آن نباید فرصت‌ها را از چنگ داد.

منابع

۱. نهج البلاغه، تحقیق و ترجمه: محمد دشتی، پیام عدالت، قم، ۱۳۸۵ ش.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۷)، ترجمه عبدالمحمد آتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. ابن عبدربه، شهاب الدین احمد، تقدیم خلیل شرف الدین، دار و مکتبه الهلال، بی جا، ۱۹۸۶ م.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۵. اسدآبادی، السید جمال الدین و الشیخ محمد عبده (۱۳۹۰ ق). العروة الوثقی و الثوره التحریریة الکبری، مکتبه البستانی.
۶. اصغری، محمود (۱۳۸۶)، «وحدت اسلامی، مبانی و ضرورت‌ها»، ماهنامه اندیشه، سال ۱۳ سیزدهم، ش ۵ و ۶.
۷. آقا نوری، علی (۱۳۷۷)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۸. ایرانی، مصیب، «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم، ۱۳۸۸ ش.
۹. پهلوان، چنگیز، مسائل اجتماعی و امنیت (در مجموعه مقالات همایش علمی امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، صفحات ۲۲۲-۲۱۸). بابل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ۱۳۸۱.
۱۰. خلیلی، عظیمه. همسویی ارزشهای فرهنگی و امنیت اجتماعی (در مجموعه مقالات همایش علمی امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، صفحات ۳۳۸-۳۳۲). بابل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ۱۳۸۱.
۱۱. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۸)، الرسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ سوم، ۲ ج.
۱۲. خزایی، حسین (۱۳۸۶)، «وحدت و وحدت در سیره تربیتی پیامبر (ص)»، ماهنامه زمانه، س ۶، ش ۶۳.
۱۳. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ ۷.
۱۴. خمینی (ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد اول، ص ۳.
۱۵. خمینی (ره)، روح الله، صحیفه نور، جلد نوزدهم، ص ۴۶.
۱۶. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۱ به بعد). صحیفه نور، تهران: مرکز اسناد و مدارک فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی، ۲۱ ج

۱۷. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۸)؛ صحیفه نور، دفتر پانزدهم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. سیدی، حسین (۱۳۸۶)، «مؤلفه‌های وحدت در اندیشه‌ی اسلامی»، ماهنامه اندیشه، سال سیزدهم، ۱۳، ش ۵ و ۶.
۲۰. غلامی، رضا (۱۳۸۶)، «پایداری وحدت اسلامی»، ماهنامه زمانه، سال ششم، ۶، ش ۶۳.
۲۱. گارودی، رؤه (۱۳۷۶)، سید جمال الدین، انحطاط تمدن و نوگرایی اسلامی، فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ۶، شماره ۲۳-۲۴.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، تهران: نشر نی.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، معنای مدرنیت، مترجم: علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.
۲۴. محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۶، ص ۳۴۲.
۲۵. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا، یازدهم، ۱۳۶۹، ص ۱۶-۲۱.
۲۶. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی از نهضت‌های اسلامی درصد ساله اخیر، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۲۷. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۵۹ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. منطری توکلی، علیرضا؛ عراقی پور، نجمه (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه بین دینداری و شادکامی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۱۹، سال ۶، صص ۱۹-۴۵.
۳۰. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۳۱. محمدی، حیدر، قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. نرم افزار مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳۳. هادیانفر، حبیب (۱۳۸۴)، «احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت مذهبی در گروهی از مسلمانان»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی، شماره ۱۱، ۲۲۴-۲۳۲.
34. Litchfield, Alleh W, Darwin, Thomas, L. & Dali, Bing. (2010), Dimensions of Religiosity as Mediators of the Relations between Parenting and adolescent Deviant Behavior, Journal of Adolescent Research, vol. 12.
35. Neil Bruce, (2013). Social security, growth, and welfare in overlapping generation's economies with or without annuities Journal of Public Economics, Volume 101, pp: 12-24